

آیا مخالفان توافق دیوانه هستند؟

اما این موضوع به‌طور جدی از ابتدای بنیان‌گذاری علم‌روان‌شناسی در اواخر قرن نوزدهم میلادی در دستور کار روان‌شناسان، روان‌پزشکان و کارشناسان بهداشت روان قرار گرفت. هر فردی از منظر مکتبی که به آن وابسته بود، تعریفی از سلامت روان ارائه می‌کرد و نبود مؤلفه‌های مرتبط با آن تعریف را نشانه نبود سلامت روان می‌دانست. سازمان بهداشت جهانی و انجمن‌روان‌شناسی آمریکا، به‌عنوان سازمان‌های مرجع در زمینه سلامت روان، به کمک آمدند و آن‌ها نیز معیارهای تشخیصی خاصی برای شناخت دارندگان سلامت روان تهیه کردند. امروز به‌اتفاق در بین همه مکاتب روان‌شناسی مورد وثوق است که در یک تعریف حداقلی از سلامت روان می‌توان این‌طور گفت: «نداشتن یکی از اختلالات روانی اشاره‌شده در راهنمای تشخیصی سازمان بهداشت جهانی با عنوان (ICD) و راهنمای تشخیصی انجمن روان‌شناسی آمریکا با عنوان (DSM) سلامت روان قلمداد می‌شود». یعنی در این نگاه حداقلی، نداشتن اختلالاتی مثل اضطراب، افسردگی، فوبی‌ها، وسواس، اسکیزوفرنی و ده‌ها اختلال دیگر به منزله سلامت روان قلمداد می‌شود. با این نگاه حداقلی آیا می‌توان گفت که مخالفان توافق هسته‌ای دارای سلامت روان نیستند و دیوانه‌اند؟ خیر، ممکن است برخی از آنها به‌طور فزردی در برهه‌ای از زندگی‌شان دچار یکی از مشکلات روانی شوند و سلامت روانی‌شان دچار اختلال شود. اما لزوماً این اختلال به مخالفت آنها با توافق هسته‌ای ربطی ندارد. این‌مورد می‌تواند برین موافقان توافق نیز اتفاق بیفتد. اما مسئله ارتباط با سلامت روان به توافق هسته‌ای و سلامت روان به همین جاکتم نمی‌شود. در ریسک نگاه حداکثری به سلامت روان، که امروز مبنایی برای جنبش علمی موسوم به روان‌شناسی مثبت‌گراست، نداشتن اختلال روانی مساوی با سلامت روان نیست. در نظریه‌های جدید روان‌شناسان، داشتن توانمندی‌های مثبتی مثل اعتدال، صبر، امید، شادی، آینده‌نگری، رضایت از زندگی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و ده‌ها ویژگی دیگر، نشانه داشتن سلامت روان حداکثری است. امروزه، دارندگان سلامت روان افرادی نیستند که دچار اختلال روانی‌اند و نیازمند داروهای روان‌پزشکی، بلکه افرادی هستند که کنترل هشیار زندگی خود را در اختیار دارند، پذیرای خویشخت هستند و نقاط ضعف و قوت خود را می‌شناسند، خویشختی و جهان بیرون را درست ادراک می‌کنند، انگیزه دستیابی به اهداف مثبت دارند و از هر چیزی که پریشان‌شان می‌کند دور می‌شوند، می‌توانند تغییرات مثبتی در رفتارشان ایجاد کنند، در برابر دیگران بردارند، قادرند در بیشتر انسان‌ها روابط دوستانه‌ای داشته باشند و از رادیکالیسم می‌ترسند، دوری می‌کنند و نگران‌اند. در این نگاه، به نظر می‌رسد مخالفان توافق هسته‌ای دارای سلامت روانی حداکثری نیستند. این ادعا از آنجا مطرح می‌شود که توافق هسته‌ای بین ایران و شش کشور در شرایط حاضر بهترین گزینه برای جلوگیری از وقوع یک جنگ خانمان‌برانداز است. در روان‌شناسی اصولاً یک هدف مشخص صلح‌طلبانه بیجانده، راهکار مثبتی است. در یک نگاه روان‌شناسانه آنچه آنها را ترغیب به مخالفت مطلق با این توافق می‌کند، نداشتن این ویژگی‌هاست، وگرنه جناح‌بندی‌های سیاسی به‌تنهایی نمی‌تواند موجب مخالفت با توافق شود. در بین جناح مقابل دولت مستقر در آمریکا و ایران، افرادی هستند که یا با این توافق موافقت یا به طور مشروط آن را می‌پذیرند. آنان که مذاکره‌کنندگان را خائن به وطن می‌دانند، به جز مخاصمه به چیز دیگری نمی‌اندیشند. اینان باید در خود ویژگی‌های مثبت روانی ایجاد کنند تا از هرگونه تردید در مورد سلامت روانی‌شان کاسته شود.

پیام «کامیون مرگ»

.... یا دیگری که دور چندم دویسم دور پارک را در جزیره زیبای وسط «بوداپست» تمام می‌کند نمی‌تواند بی‌قرار نیمه دردمند دیگرش چندصدکیلو متر آن‌طرف‌تر در سوریه و افغانستان در دامن داعش و طالبان نباشد! موضوع تنها تصایح انسان‌دوستانه شاعران بزرگ ما نیما و سعیدی و احیاناً گونه نیست که رعایت حال دیگر انسان‌ها و همبستگی انسانی را به‌جد اما به طرافت توصیه می‌کنند. این همبستگی انسانی نه توسط آوارگان سوری و افغانی بلکه توسط سیاست‌مدارانی که «جهانی‌شدن» را رقم زدند و دروازه‌های بسته‌شان را در یک اتحادیه متشکل ساختند ایجاد شده است! جنگی هم که در آن‌سوی آب‌ها در سوریه و افغانستان جریان دارد، یک جنگ عربی با افغانی نیست، جنگی است که با اصطلاحات امروز آن را «نیابتی» می‌خوانند. پیام «کامیون مرگ» برای بخش‌های آسوده دنیا، آن‌هم در قلب آسودگی، این است که در این دهکده جهانی هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر این‌گونه مصائب بی‌خیال باشد.

شکوفه حبیب‌زاده: آیا رابطه‌ای بین شهرت و رانت برقرار

است که هر از چند گاهی نامی آشنا در پرونده‌های اختلاس و رانت و زمین‌خواری به‌میان می‌آید؟ چه ارتباط و زنجیره‌ای میان این دو ویژگی برقرار است که تا این اندازه به چشم می‌آید؟ برای یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها، به سراغ مردی اقتصادی و سیاسی رقیتم که خود نیز از شهرتی برخوردار است. او شهرت را مبنای رانت و فساد نمی‌داند، بلکه به اعتقاد او، عامل این شرایط بسته‌بودن کشورهاست نه مشهوربودن افراد و اساس چنین رخدادهایی را فقط در کشورهای جهان سوم مانند کشور ما می‌داند. محسن صفایی‌فراهانی که حضورش در فعالیت‌های سیاسی اصلاح‌طلبانه و مجلس ششم او را شناخته‌شده‌تر کرده بود، با عنوان مرد اقتصادی و مشاور چند وزیر در دوره‌های مختلف در کارنامه‌اش از او یاد می‌شود. صفایی‌فراهانی عدم شفافیت را عامل اصلی تمامی این اتفاق‌های ناگوار می‌داند که اگر وجود می‌داشت، هر مسئولی با کوچک‌ترین خطایی زیر ذره‌بین قرار می‌گرفت و همین امر سبب دوری از فساد در کشور می‌شد. هرچند این فعال اقتصادی دیرینه آنچه در ایران رخ داده را نه فساد که محدود می‌خواندش، بلکه غارت دارایی‌های یک کشور می‌داند، زمین‌خواری و مواردی از این‌دست را فقط دست‌گرمی این رانت‌جویان برمی‌شمارد. به گفته او، وقتی فضا بسته باشد، همه به دنبال این هستند که هر چه می‌توانند بردارند. اما آنچه در گفته‌های او بسیار رخ‌نمایی می‌کند، تفاوت شهرت یک و بد است که نوع دوم را عامل بهره‌گیری از شگرد رعب‌وحشت برای استفاده از رانت می‌خواند. صفایی‌فراهانی در این‌باره می‌گوید: «در جامعه هستند افرادی که نگران منافع ملی نیستند و وقتی به شهرت می‌رسند و می‌توانند در حاشیه قدرت قرار بگیرند، از فرصت به‌دست‌آمده حداکثر سوءاستفاده را می‌کنند. این افراد به‌راحتی به درآمدهای خیلی بالا دسترسی پیدا می‌کنند، این افراد راحت‌تر از دیگران به هدف می‌رسند، زیرا می‌توانند از روش‌های تهدید و ارباب‌ها و ابزارهای دیگر استفاده کرده و شرایط را برای خودشان مهیا کنند...».

آچه ارتباطی بین شهرت و رانت می‌توان برقرار کرد؟

صرف اینکه فکر کنیم شهرت مبنایی است برای ورود به شرایط اقتصادی وابسته به رانت و فساد مالی، درست نیست. کمابینکه در دنیای خارج از جهان سوم هم افراد بسیار مشهور و صاحب‌نامی هستند که به‌هیچ‌وجه در فضای اقتصاد رانتی ورود نکرده‌اند. تمام فعالان اقتصادی مهم در دنیا افراد مشهوری هستند اما اینکه چه کسانی در اقتصاد رانتی می‌توانند از شهرتشان استفاده کنند، بیشتر مربوط به کشورهای جهان سوم است و در کشورهای توسعه‌یافته چنین فرصتی به کسی داده نمی‌شود که از چنین مکانیزمی استفاده کند. این امر به این مسئله بازمی‌گردد که میزان قانونمندی، گردش آزاد اطلاعات، حضور احزاب قوی، مطبوعات آزاد، نظارت‌های متعدد جامعه از پارلمان تا نهادهای جامعه مدنی باعث می‌شود چنین شرایطی به وجود نیاید. کمابینکه گاهی مطرح می‌شود فلان فرد مشهور سیاسی تنها از یک وام کم‌بهره استفاده کرده است و این مسئله باعث می‌شود به‌دلیل فشار افکار عمومی حتی مجبور به دوری از فضا و موقعیت سیاسی هم بشود، اما در مقابل در محیط کشورهای جهان سوم این امر بسیار رایج است. به این علت که قانون در جامعه جایگاهی ندارد، از شفافیت خبری نیست، مطبوعات آزاد و احزاب وجود ندارند و نظارت هم نیست. پس هر کسی که به ثروت‌اندوزی علاقه‌مند باشد و بخواهد از منافع و روابط استفاده کند، می‌تواند با ترفندهایی در زمان کوتاهی این مسیر را طی کند، اما این به آن مفهوم نیست که تمام کسانی که در جهان سوم صاحب‌نام هستند الزاماً باید صاحب قدرت شوند. اما دیده می‌شود درصد کسانی که در کشورهای مشابه ما به قدرت نزدیک می‌شوند و شهرت دارند، عموماً به این سمت می‌روند که برای خودشان منافعی ایجاد کنند و کمتر کسی است که از این فرصت استفاده نکرده باشد. عامل این شرایط هم بسته‌بودن این کشورهاست نه مشهوربودن این افراد. در فضای بسته، اطلاعات گردش نمی‌کند و محیط غبارآلود و مساعد است برای اینکه یک فرد بتواند از محیط سوءاستفاده کند. البته این‌طور نیست که تصور

کنیم همه این افراد الزاماً مشهور هستند، در محیط بسته هر کسی که بتواند خود را به دایره قدرت وصل کند و در حاشیه امن قدرت قرار بگیرد، این موقعیت را پیدا می‌کند که از رانت و فرصت‌های اقتصادی که در فضای بسته ایجاد می‌شود استفاده‌های کلان ببرد.

آیا شهرت بد هم که به‌واسطه اختلاس به وجود می‌آید مانند شهرت خوب تأثیرگذار است؟
در ظاهر نباید برابر باشد اما احتمال اینکه یک نویسنده یا هنرمند خوشنام خودش را به قدرت وصل کند و بخواهد ریزه‌خوار قدرت باشد خیلی کم است، اما در جامعه هستند افرادی که نگران منافع ملی نیستند و وقتی به شهرت می‌رسند و می‌توانند در حاشیه قدرت قرار بگیرند، از فرصت به‌دست‌آمده حداکثر سوءاستفاده را می‌کنند. این افراد به‌راحتی به درآمدهای خیلی بالا دسترسی پیدا می‌کنند، این افراد راحت‌تر از دیگران به هدف می‌رسند، زیرا می‌توانند از روش‌های تهدید و ارباب‌ها و ابزارهای دیگر استفاده و شرایط را برای خودشان مهیا کنند و به‌راحتی به ثروت‌های این‌چنینی دسترسی پیدا کنند، افراد وارسته ولو اینکه مشهور شوند، چون پایبندی و اصولی برای خود دارند، سعی می‌کنند اصول خود را رعایت کنند و شاید هیچ‌وقت تن به این شرایط ندهند و از این فرصت‌ها استفاده نکنند. درحال‌همه افرادی که در جامعه مطرح می‌شوند اگر در حاشیه قدرت، محیط امنی

برایشان به وجود بیاید، این فرصت را دارند که ثروت‌اندوزی کنند و یک‌شبه ره صدساله بروند.

آکسی‌که شهرت دارد می‌تواند راحت‌تر در فعالیت‌های اقتصادی ناصواب وارد شود یا افرادی که بی‌نام وارد و بعد مشهور می‌شوند؟
افراد مشهور و طالب ثروت به هر طریقی‌رودت‌تر به اهداف این‌چنینی خود می‌رسند. به این دلیل که این افراد به هر جایی که مراجعه می‌کنند به دلیل حاشیه امنی که دارند، دستگاه مقابل آنها نگرانی‌هایی در خودش احساس می‌کند و سعی می‌کند سرویس‌های مناسبی را به او بدهد که مبادا برای خودش در‌دسر ایجاد شود! این شرایط برای یک فرد غیرمشهور ولو وابسته به قدرت خیلی راحت به دست نمی‌آید. پس افراد مشهوری که طالب ثروت بادآورده هستند اگر در دایره قدرت باشند، سرعشتان بیشتر از افرادی است که مشهور نیستند.

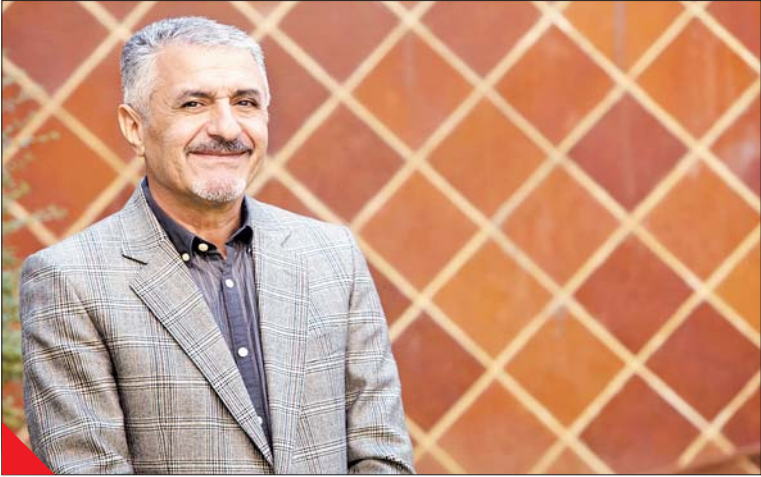
آیا طرح این موضوع می‌تواند از وقوع آن جلوگیری کند؟

در کشورهای قانون‌مدار که فشار افکار عمومی معنی دارد حتماً همین‌طور است، اما در غیر این صورت شاید خیلی مؤثر نباشد. نمونه‌های متعددی در کشور داریم که محکومیت قضائی مسئولان در رسانه‌ها مطرح یا پرونده فساد مالی آنها رسانه‌ای می‌شود، طرح این‌گونه مسائل در جامعه وقتی مؤثر است که باعث تغییر فضا و بهترشدن شرایط شود و ممانعت‌های جدی و قانونی برای حذف علل و شرایط واقعی بروز فساد به وجود آورد. در کشور ما طرح این مسائل باعث هیچ اتفاق ویژه‌ای نمی‌شود. اگر از گذشته دور نگاه کنیم از کسانی که مشهور بودند و دستگیر و محکوم شده‌اند تا امروز که عده‌ای در جرایم مطرح می‌شوند و به روش‌های

صفایی‌فراهانی از فساد محدود در ایران به «شرق» می‌گوید

رانت‌جویی با تهدید و ارباب

ایران به دنبال اقتصاد رقابتی بود، گرفتار اقتصاد غارتی شد



عکس:

رونق‌ده رستنی، شرق

متخلف در اذهان عمومی و رسانه‌ها از آنها صحبت می‌شود، باید دید چه ضوابط و مقرراتی وضع شده که به‌صورت اصولی برای برون‌رفت از این شرایط جامعه را قانع می‌کند که شهرت و حضور در مشاغل کلیدی کشور، فرصتی برای ثروت‌اندوزی نیست، این یعنی بالاترین دستگاه نظارتی کشور، یعنی مجلس، آن‌قدر قدرت داشته باشد که بتواند با این مسائل به‌صورت ریشه‌ای مقابله کند، درحالی‌که مجلس سال‌هاست به‌صورت مداوم از فساد مالی صحبت می‌کند اما دریغ از طرحی که به معنی واقعی برای مقابله با گسترش اقتصاد دولتی و شبه‌دولتی به وجود بیاید و الزامات لازم برای اجرایی‌شدن درست آن در قانون در نظر گرفته شود. دستگیری افراد و ایجاد رعب و وحشت، شرایط مناسب‌تری را برای دیگران به وجود می‌آورد. وقتی سیستم رعب و وحشت حاکم باشد، شرایط برای فردی که قدرت دارد مناسب‌تر است، اما در مقابل افرادی که فاقد قدرت و مکنت هستند در این شرایط مرعوب می‌شوند. نتیجه این روش سکوت بیشتر است، به‌جای اینکه سؤال‌کننده بیشتر شود. در صورتی که اگر قانون در جامعه حاکم باشد و نهادهای مدنی شکل بگیرد، باعث نظارت‌های عامه در جامعه می‌شود.

آ نظارت‌های عامه چگونه امکان‌پذیر است؟

با حمایت از تشکیل احزاب، سندیکاها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مختلف صنفی، با

انتخابات در آنها و حضور افراد توانمند و با دانش کافی به‌عنوان نماینده و ایجاد سیستم گردش آزاد اطلاعات شرایط دگرگون می‌شود. اگر احزاب مخالف در جامعه وجود داشته باشند، هرگونه رانت‌خواری در دستگاه‌ها برملا می‌شود. در تریون‌های مختلف مطرح و در ابعاغ مختلف تحلیل می‌شود، در کشورهایی که احزاب قوی و فضای باز وجود دارد، پارلمان‌هایشان به‌راحتی

مقامات را وادار به پاسخ‌گویی به افکار عمومی می‌کنند. وقتی چنین محیطی به وجود بیاید امکان اینکه کسی در قدرت قرار بگیرد و بتواند سوءاستفاده کند، یا مقذور نمی‌شود یا بسیار محدود خواهد شد، چون نگاه‌های متعددی کشور را کنترل می‌کنند. اما اگر فضا بسته باشد، پشت هر در بسته هر اقدامی امکان‌پذیر است، مجلس، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و دستگاه‌های مختلف را کنترل می‌کنند اما این کنترل‌ها چندر بازده داشته است؟ نمونه آن معوقات بانکی است، روزی که دولت اصلاحات کنار رفت، کل معوقات بانکی کشور ۶٫۸ هزار میلیارد تومان بود و امروز به بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، چیزی حدود نصف بودجه عمومی کشور. آیا کسانی که از بانک‌ها پول گرفته‌اند افراد ناشناخته‌ای بوده‌اند که توانسته‌اند با وثیقه یا بدون آن وام‌های بسیار کلان از بانک‌ها بگیرند؟ پشت درهای بسته با دستوره‌های محدود می‌توان امکانات نامحدود در اختیار افراد گذاشت! این‌جاست که اگر شرایط تغییر کند چنین اتفاقاتی رخ نمی‌دهد. اگر قانون مناقصات در کشور به‌طور صحیح و منطبق با روح قانون اجرا نمی‌شود، دستگاه‌های نظارتی سؤال‌کننده جدی می‌شدند و خیلی از رانت‌ها از بین می‌رفت. قانون اجرایی اصل ۴۴ در مجلس مفتقم تصویب شد. بعد از

آن مجلس هشتم و نهم آمده‌اند. بنا به گزارش دیوان محاسبات و سازمان خصوصی‌سازی در وزارت اقتصاد و دارایی، بیش از ۸۴ درصد این واگذاری‌ها به بخش خصوصی انجام نشده است. کدام دستگاه نظارتی جلوی این اتفاق را گرفته است؟ کدام‌یک از این سه دوره مجلس گفته چرا قانونی که وضع کرده‌ایم درست اجرا نشده؟ قانون مناقصات به‌صراحت می‌گوید همه شرکت‌ها بدون استثنا اعم از دولتی، نهاده‌ا و بخش خصوصی باید از طریق مناقصات کار بگیرند. آیا این اتفاق افتاده است؟ چرا میلیارد‌ها دلار پروژه‌های مختلف به شرکت‌های خاص واگذار شده است؟ چقدر بر این روش‌ها نظارت می‌شود؟ وقتی دستگاه‌های نظارتی فلج هستند و سیستم نظارت اجتماعی که شامل احزاب، رسانه‌ها و... است وجود ندارد، بدیهی است شرکت‌ها بدون استثنا اعم از دولتی، نهاده‌ا و بخش خصوصی باید از طریق مناقصات کار بگیرند. آیا این افراد مشهور یا غیرمشهور وقتی در حاشیه امن قرار بگیرند، می‌توانند فساد کنند و از منابع مالی هنگفت برخوردار باشند بدون اینکه پاسخ‌گو شوند.

آ راتی که به‌واسطه شهرت ایجاد می‌شود چه سهمی در فساد اقتصادی می‌تواند داشته باشد؟

نمی‌شود تعیین سهم کرد، چون آنقدر غیرشفاف است که هر اقدام پوششی را می‌توان انجام داد. یعنی بسیاری از کسانی که امروز به‌ظاهر مطرح نیستند، چه‌بسا اگر سیستم‌های نظارتی خوب عمل کنند، بهره‌های خوبی می‌برند. یعنی آنها در ظاهر حضور ندارند ولی پشت سیستم کاملاً سهم دارند و فعال‌اند. نمونه آن آقای بابک زنجانی است. آیا کسی باور می‌کند ایشان به‌تنهایی نزدیک به سه میلیارد دلار را برداشته باشند؟ پس طبیعی است که وابستگی‌های ایشان به کسانی است که تا به حال ایشان را حفظ کرده و هیچ اتفاقی هم نیفتاده است!

آ زمین‌خواری در گردنه حیران و منطقه آزاد قشم ... هم از این دست است. چقدر می‌توان از این نفوذ استفاده کرد و در چنین پروژه‌هایی وارد شد؟

همه ابعاد فساد که در ایران مطرح است همین شرایط را دارد. ممکن است اگر فساد مالی گردنه حیران را بررسی کنیم، به چند ۱۰ میلیارد محدود شود منتها در افکار عمومی برجسته می‌شود. چندین بار در رسانه‌ها گفتم‌ام وقتی بحث سه هزار میلیارد تومان مطرح می‌شود، واقعاً مردم نمی‌دانند حجم سه هزار میلیارد تومان یعنی چقدر. یعنی اگر ماهی ۱۰۰ میلیون تومان را پس‌انداز کنیم، ده‌هزارو ۵۰۰ سال طول می‌کشد تا بشود سه هزار میلیارد تومان! سه هزار میلیارد تومان برملا شد و بعد از مدتی فروکش کرد. دوباره دومیلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مطرح شد که معادل ۹ هزار میلیارد تومان است یا موارد دیگر. گفتم در حال حاضر معوقات بانک‌ها ۹۰ هزار میلیارد تومان است، یعنی ۳۰۰ برابر فساد سه هزار میلیارد تومانی که واقعاً حجم وحشتناکی است. این‌طور نیست که یک زمین‌خواری مطرح شود و تحت‌الشعاع قرار بگیریم، زمین‌خواری‌های متعددی از این دست وجود دارد. وقتی فضا بسته باشد، همه به دنبال این هستند که هر چه می‌توانند بردارند. در اصل کشور دنبال اقتصاد رقابتی بود که گرفتار اقتصاد غارتی شد!! سیستم مالی فاسد با غارت متفاوت است. فساد محدود است. در همه دوران کشور با فساد درگیر بوده است منتها این‌طور بوده که فردی چند درصد به قول خودش حق‌الععمل می‌گرفته و کاری انجام می‌داده است. این روش فساد متأسفانه در بسیاری از کشورهای دنیا مطرح است. همین بحرانی که در فیفا مطرح شد و همه دنیا متوجه شده‌اند و هیات رئیسه فیفا مجبور به کارگیری شد، حدود ۱۵۰ میلیون دلار بود و میلیاردی نبود. هزار میلیارد تومان، (۳۰۰ میلیون دلار) است. اینها دیگر غارت است نه فساد. جابه‌جاشدن این حجم منابع مالی یعنی غارت‌کردن دارایی‌های یک کشور. شما می‌گویید زمین‌خواری کرده‌اند حیران! مشابهش فراوان است. گزارش وزارت کشاورزی حاکی از این است که ۲۵ درصد اراضی زیر کشت برنج در شمال تغییر کاربری داده شده. آیا این تغییر کاربری به دست افراد ناتوان بوده است؟ ۲۵ درصد دو استان شمالی قابل‌توجه است. آیا غیر از این است که مسئولانی که این تغییر کاربری را انجام داده‌اند به کارشان اشراف کامل داشته‌اند و هیچ نظارتی هم بر کارشان صورت نگرفته است؟

ادامه در صفحه ۵

بازار

ایست دلار

طلا و سکه +	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۰۳۰۰	↓
طرح قدیم	۹۰۹۰۰۰	↓
نیم	۴۶۸۰۰۰	↓
ربع	۲۵۹۰۰۰	↓
گرمی	۱۷۰۰۰۰	↓
گرم ۱۸ عیار	۹۳۲۹۱	↓
اونس - (دلار)	۱۱۲۰	-
ارز +	قیمت (دلار)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۳۹۵	↓
یورو	۳۸۹۵	↓
پوند	۵۲۹۰	↓
درهم	۹۳۳	↑

● **شرق:** دلار ترجیح داد روز پنجشنبه ترمز قیمتی خود را بکشد. روز چهارشنبه دلار خود را به سه هزارو ۴۱۸ تومان رسانده بود اما در آخرین روز کاری هفته ترجیح داد در همان نزدیکی سه هزار و ۴۰۰ تومان اتراق کند. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه حرکت قیمتی دلار را در روز پنجشنبه چنین توصیف می‌کند: دلار در ابتدای معاملات سه هزار و ۴۰۳ تومان معامله می‌شد اما در بعدازظهر و آخر وقت بازار تا سه هزارو ۳۹۵ تومان پایین آمد. سکه طرح جدید هم روندی مانند دلار داشت. هر سکه در بازار پنجشنبه، معاملات خود را با ۹۱۶ هزار تومان شروع کرد و آرام‌آرام خود را به ۹۰۸هزارو ۵۰۰ تومان رساند. اما در پایان معاملات اندکی از ریزش قیمتی خود را اصلاح کرد و روی عدد ۹۱۰ هزار و ۳۰۰ تومان ایستاد. اونس هم پس از نوسان ۱۲۰ دلار آرام گرفت.مؤسسه سرمایه‌گذاری مک کنواری اعلام کرد: افزایش قیمت طلا در روزهای گذشته تحت تأثیر برخی نگرانی‌ها نسبت به اوضاع اقتصادی جهان و تأخیر احتمالی تصمیم فدرال رزرو آمریکا برای افزایش نرخ بهره بوده است ولی به نظر می‌رسد این روند صعودی کاملاً موقتی و زودگذر خواهد بود.

ریزش شاخص آزدوبعد

عنوان شاخص	۲۸ مرداد	۴ شهریور	تغییر
کل	۶۵۲۱۳۳	۶۴۴۰۶۲	-۱۰۱۲۱۰
شاخص قیمت	۲۵۸۴۷	۲۵۳۸۱۵	-۴۶۵۵
شاخص کل (بازار)	۹۹۸۴۶	۹۸۱۶۶	-۱۶۸
شاخص قیمت (بازار)	۸۵۴۰	۸۳۹۱۶	-۱۴۸۴
آرآد شاور	۷۳۵۸۸۶	۷۲۳۳۴۸	-۱۳۳۵۸
۵۰شرکت بزرگ	۲۶۷۴۷	۲۶۳۲۹	-۴۱۸

● **شرق:** بازار بورس در هفته اخیر ریزشی شدید را تجربه کرد و به کانال ۶۴ هزار واحدی وارد شد. خسروشاهی، تحلیلگر بازار سرمایه، در این رابطه به «شرق» گفت: بورس در هفته جاری تحت‌تأثیر دو بُعد داخلی و خارجی ریزش شدیدی را متحمل شد. وی افزود: در بعد داخلی دنباله‌دارشدن رکود و فقدان سیاست کوتاه‌مدت جدی برای خروج از آن از سوسی دولت سبب شد تا ریزش و ریزش در بازار آفزون‌تر نشود. در کنار آن رکود اقتصادهای جهانی و وضعیت آشفته اقتصاد چین و ریزش شدید بورس این کشور نیز بر نگاه منفی در بازار سرمایه افزود. به‌نحوی‌که افت ۹ درصدی شاخص بورس چین نشان داد که کاهش ارزش یوآن در برابر دلار در حمایت از صادرات این کشور، اقتصاد چین را نجات نخواهد داد.

خبر ویژه

عضو حقوقی شورای عالی بیمه:

نادیده گرفتن ظرفیت‌های تخصصی سندیکادر وضع قوانین بیمه

● کارگروه حقوقی سندیکای بیمه‌گران چهارم شهریور با حضور عضو حقوقی شورای عالی بیمه، دبیرکل سندیکای بیمه‌گران، مدیرکل حقوقی بیمه مرکزی و مدیران حقوقی شرکت‌های بیمه در سندیکای بیمه‌گران برگزار شد. به گزارش روابط عمومی سندیکای بیمه‌گران ایران، بهژاد پورسید، عضو حقوقی شورای عالی بیمه با اعلام این مطلب گفت: سندیکا، فضای مناسبی برای هم‌اندیشی و تعامل میان صاحب‌نظران صنعت بیمه است. وی با انتقاد از کمبود همنوایی در صنعت بیمه گفت: بعضاً برای وضع یک آیین‌نامه، نظرات متفاوتی از ارکان صنعت بیمه به شورای عالی بیمه می‌رسد و فرصت‌های مقررات‌گذاری صحیح و متناسب با نیازهای صنعت بیمه از دست می‌رود. وی با تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های سکوت و ابهام در قوانین گفت: مدیران حقوقی شرکت‌ها باید از این ظرفیت‌ها بهره گیرند و از ارسال پیشنهاداتی که با نص صریح قانون مغایرت دارد، پرهیز کنند. پورسید با اشاره به استقبال شورای عالی بیمه از پیشنهادات شرکت‌های بیمه گفت: به هر میزان که شما اطلاعات کامل‌تری به ما بدهید، مطمئناً نتیجه مصوبات شورای عالی بیمه با خواسته شرکت‌های بیمه منطبق‌تر خواهد بود. وی افزود: شرکت‌های بیمه باید در مطالعات تطبیقی مشارکت داشته باشند و نگذارند اطلاعات ما به تحقیقات بیمه مرکزی محدود شود.

سازمان آگهی های روزنامه شرق بازار یاب مطبوعاتی با حقوق ثابت و پورسانت استخدام می نماید .

رزومه خود را به نشانی **sharghagahi@chmail.ir** ارسال نمایید .

آنچه را که باید بدانیم
۰۹۱۲۶۸۳۱۰۰۴
جیت دریافت کتاب و کاتالوگ به صورت رایگان به
سراسر کشور آدرس و شماره تلفن و کد پستی خود را
پیامک نموده وبایه شماره پیامگیر اعلام فرمائید.
مراجعه ضروری: **تهران پارس – باقری – ۲۱۶** غربی به سمت **اردبیل پست ب ۳۴**
پیامگیر: ۰۷۱-۷۱۶۲۰۷۱۶۲-۲۱- پیامک: ۰۹۱۶۲۰۹۵۹۹
TJA777.COM